

اندیشه‌های ایرانی برای زندگی امروز

حسن گل محمدی



تهران - ۱۳۹۸

فهرست مطالب

پیشگفتار ۴۳

۱

اگر خر نبودی پیش بیطار نرفتی ۴۷
بگو مرغ را به پای من چهار من حساب کند ۴۷
یک نفر از کوچه ما عشق را دزدیده است ۴۸
چه حاصل مهربانی خواب دیدن ۴۸
هنردرمانی شاباجی خانم رسانه‌ای ۴۸

۲

حسن، فربه شده‌ای ۵۰
یک لقمه نان حلال ۵۰
حکم بوسه چیست؟ ۵۱

۳

زندگی خروسی ۵۲
چند نکته از رند روزگار، عبید زاکانی ۵۳
اختراع جدید ۵۳

۴

روز مادر در غربت ۵۵
لذت یک لحظه مادر داشتن ۵۵

- از گلستان سعدی ۵۶
 همین امروز جبران کن ۵۶
 هدیه روز مادر را فراموش مکن ۵۷
 شعر جاودان ایرج میرزا درباره مادر و تضمین آن ۵۷

۵

- فتحعلیشاه و جنگ ایران و روس ۵۹
 آنچه در اینجا می‌باید کرد در خانه پدر کرده‌ای ۶۰
 سخت‌گیری و تعصب خامی است ۶۰
 بر هر که می‌گذرم شربت من خورده است ۶۱
 آگهی استخدام خبرنگار نفوذی ۶۱
 تکذیبیه فردوسی توسی ۶۱

۶

- خر سواری ملانصرالدین ۶۳
 نام‌گذاری امیر و وزیر ۶۳
 چند نکته و کلام از نیما یوشیج ۶۴
 شعری از پروفیسور فضل‌الله رضا ۶۴
 اگر این استاد را نداشتیم چه می‌کردیم؟ ۶۵

۷

- بدتر از شیطان را بشناسید ۶۷
 حکیمی که مرده را زنده می‌کند ۶۷
 دارویی که مرده را زنده می‌کند ۶۸
 شاعری فتحعلیشاه قاجار ۶۸
 پایه‌گذار مکتب «بیکاریسم» ۶۹

۸

- سخنانی از زرتشت، پیامبر بزرگ ایرانی ۷۱
 اهمیت طنز در زبان و ادبیات فارسی ۷۱
 طنزی زیبا و فاخر از عبید زاکانی ۷۲

- صد تومان می‌دادم که بچه‌ام یک شب بیرون نخوابد ۷۲
 نهج‌الایران با فروش قرص و کمر بند لاغری و ماساژتراپی ۷۲
 چرا قلم در نیام کرده‌ای، استاد؟ ۷۳

۹

- آیا ملانصرالدین شخصیتی واقعی است؟ ۷۴
 فرهنگ لغات جدید ۷۴
 از آب‌ها به بعد ۷۵
 در مملکت چه چیزی از همه بیشتر است؟ ۷۶
 دلیل بزرگی انسان ۷۶

۱۰

- سی کرور شاه و یک رعیت ۷۷
 سیاست حکومت‌گران ۷۷
 خدمت به ناسپاسان ۷۷
 مرده شادمان و بدون غم ۷۸
 فتحعلیشاه و پایان جنگ ایران و روس ۷۸

۱۱

- چرا اندیشه‌های گوناگون ۷۹
 آدم گرسنه دین و ایمان ندارد ۸۰
 زنده به گور کردن دختران و استاد باستانی پاریزی ۸۰
 پادشاهی از استاد دکتر عبدالرفیع حقیقت (رفیع) ۸۱
 زندگی بی‌عشق ۸۱
 ساغر بی‌باده ۸۱
 آزاده جان پرخروش ۸۲

۱۲

- از مآلده‌های زمینی آندره ژید ۸۳
 غزل زیبا از حاجب شیرازی ۸۳
 به خدا ترا در مدرسه اندازم، تا در فلاکت بمانی ۸۴

- ۸۴ اندر حکایت کشته شدن یزدگرد سوم
 ۸۵ مرا به تازیانه بزن که آلت زنا همراه دارم
 ۸۵ فرهنگ لغات جدید

۱۳

- ۸۶ آفت شاعری چیست؟
 ۸۶ استاد دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی در تورنتو
 ۸۷ یاد ایام جوانی یاد باد
 ۸۸ عمر به چه گذاشتی؟

۱۴

- ۸۹ اگر انوشیروان پادشاهست هزار خرابه توأم داد
 ۸۹ چند کلامی از شیخ محمد خیابانی
 ۹۰ آه و واه.....

۱۵

- ۹۱ یادی از نشریه توفیق و حزب خران
 ۹۲ به مناسبت حضور استاد دکتر باستانی پاریزی در تورنتو

۱۶

- ۹۴ سنگ را بسته‌اند و سگ را گشاده
 ۹۴ ناصرالدین شاه و دیدن ماه شوال
 ۹۵ انجمن ادبی آفتاب حقیقت
 ۹۶ شعر و زندگی.....

۱۷

- ۹۷ شعر دزد شنیده بودیم، شاعر دزد ندیده بودیم
 ۹۷ شعر و زندگی.....
 ۹۸ از آندره ژید
 ۹۸ سماع - رقص صوفیانه

۱۸

- ۱۰۰ راست‌باز و پاک‌باز.....

- ۱۰۰ شکرگزاری.....
 ۱۰۰ حق خود را از دهان شیر می‌باید گرفت
 ۱۰۱ فرهنگ لغات جدید
 ۱۰۲ از اندیشه‌های تابناک صائب تبریزی
 ۱۰۲ آخرین سفر فتحعلیشاه قاجار.....

۱۹

- ۱۰۳ سلطان محمود غزنوی و پول‌پرستی او
 ۱۰۳ پادی از استاد محمد زهرایی
 ۱۰۴ نرس از ریاکاران کافرکیش
 ۱۰۴ عشق و پیری
 ۱۰۵ بدون خواهی پسر اسفندیار.....

۲۰

- ۱۰۶ حال مرد در ایام دولت و نکبت
 ۱۰۶ سپهرین بهبهانی، برنده جایزه انجمن قلم مجارستان
 ۱۰۷ مارگارت آتوود و کتاب جدیدش
 ۱۰۸ پادی از دکتر رضا براهنی

۲۱

- ۱۰۹ به مناسبت شروع ایام حج
 ۱۰۹ اسکندر چگونه از دنیا رفت؟
 ۱۰۹ لاجپل از استاد دکتر عبدالرفیع حقیقت (رفیع)
 ۱۱۰ جابل و داود، خدمتگزاران صدیق فرهنگی در تورنتو
 ۱۱۰ فرود بر سیروس کوچصفهانی، عاشقی از تبار قلم.....

۲۲

- ۱۱۳ اندر حکایت بزرگان قوم
 ۱۱۳ از آموزه‌های زرتشت در اوستا
 ۱۱۴ از سعدی بیاموزیم
 ۱۱۴ رسالت نویسنده، آنهایی که قلم به دست دارند بخوانند.....

- حیاط خانه فروغ فرخزاد ۱۱۴
- ۲۳
- انوشیروان و سیرت پیشینگان ۱۱۶
- بمیر و بدم ۱۱۶
- پدرام تویسرکانی و تندیس استاد حقیقت ۱۱۷
- دکتر برومند، بنیان‌گذار مدارس استعداد‌های درخشان ۱۱۷
- شعری از فتحعلیشاه قاجار ۱۱۸
- ۲۴
- آخر و عاقبت شاعری ۱۱۹
- مهدی اخوان ثالث و زندگیش ۱۱۹
- فرق نوشتن با گفتن، اهل قلم بدانند ۱۲۰
- پدرام تویسرکانی و شعرورزش ۱۲۰
- ۲۵
- اندر تأثیر نوشته خوب ۱۲۲
- چند نکته از نیما یوشیج ۱۲۲
- یادی از پژمان بختیاری شاعر عاشق و دلسوخته ۱۲۳
- دزد هم دزدهای قدیم ۱۲۳
- ۲۶
- همه چیزم تویی ۱۲۵
- کشور انوشیروان ۱۲۵
- شعری از ناصرالدین شاه قاجار ۱۲۶
- خشک‌سالی و دروغ ۱۲۶
- قانون عشق ۱۲۷
- ۲۷
- شترِ ارزان، قلاده‌گران ۱۲۸
- آدم شش ماهه و نماز ۱۲۸
- شاطر عباس صبحی قمی و شعر ناصرالدین شاه ۱۲۸

- شناخت مردها ۱۲۹
- شناخت زن‌ها ۱۲۹
- از آندره ژید ۱۲۹
- ۲۸
- از جلال بشنوید ۱۳۱
- اشتباه ۱۳۱
- مناظره درویش بیچه و توانگرزاده ۱۳۲
- رینب زیادی ۱۳۲
- اخوان ثالث به جای جاهل یگه بزن ۱۳۲
- چند کلام از فرمایشان زرتشت ۱۳۳
- ۲۹
- شاعر غریب وطن خویش ۱۳۴
- دریچه‌ها ۱۳۴
- سهامت‌نامه یک زندگی دشوار و شاد ۱۳۵
- هر که علم گوید زیانش ببرم ۱۳۵
- آشنایی با جهان ۱۳۶
- ۳۰
- اکنون تنها خدا مانده است ۱۳۷
- در این درکه که گه گه و گه گه شود ناگه ۱۳۷
- چند دوبیتی از نگارنده ۱۳۸
- فرهنگ لغات جدید ۱۳۸
- به‌گونه تمرکز کنیم ۱۳۹
- از خاطرات استاد محمد قهرمان ۱۳۹
- ۳۱
- از میراث ادب پارسی ۱۴۰
- حلال حلالش به آسمان رفت ۱۴۰
- الدهشیدن در سکوت ۱۴۱

از کتابفروشی‌های تهران تا کتابفروشی‌های تورنتو ۳۳۳

۸۴

نامه‌های عاشقانه احمد شاملو به آیدا ۳۳۵

وقتی همه چیز از درون فاسد می‌شود ۳۳۶

جنگل مولا ۳۳۷

سنجش سوادوزرای قاجاری ۳۳۸

از کتابفروشی‌های تهران تا کتابفروشی‌های تورنتو ۳۳۸

۸۵

دکتر شفیع کدکنی چه می‌گوید؟ ۳۴۰

دشمنان هنر و شعر در جامعه ما ۳۴۲

آنگاسی ۳۴۳

خیانت روشنفکران وابسته و مجله سخن ۳۴۳

از کتابفروشی‌های تهران تا کتابفروشی‌های تورنتو ۳۴۴

۸۶

مردمی که روز به روز فقیرتر می‌شوند ۳۴۵

انتشارات خوارزمی نیز به سرنوشت انتشارات امیرکبیر دچار شد ۳۴۶

اوضاع این جور نمی‌ماند ۳۴۷

خاطره‌ای از کافه فیروز، جلال آل‌احمد و دکتر براهنی ۳۴۷

از کتابفروشی‌های تهران تا کتابفروشی‌های تورنتو ۳۴۹

۸۷

بررسی فرآیند پردشدگی در جامعه ۳۵۰

پرویز کلاتری، نقاش بزرگ، در بستر بیماری ۳۵۱

از شاعران نسل جدید ۳۵۲

چون تو اینجا باشی، دخل من بشکند ۳۵۳

از کتابفروشی‌های تهران تا کتابفروشی‌های تورنتو ۳۵۳

۸۸

فلسفه و اهداف جشن تیرگان ۳۵۵

بزرگداشت عباس یمنی شریف، در خانه هنرمندان ایران ۳۵۶

چند شعر از عباس یمنی شریف ۳۵۷

اکران فیلم «از رئیس‌جمهور پاداش نگیرید» پس از هفت سال ۳۵۸

از کتابفروشی‌های تهران تا کتابفروشی‌های تورنتو ۳۵۸

۸۹

سراج اجنه از تهران تا تورنتو ۳۶۰

هنگونه از خرافات دوری جوییم؟ ۳۶۱

گل باغ آشنایی ۳۶۲

از کتابفروشی‌های تهران تا کتابفروشی‌های تورنتو ۳۶۳

۹۰

هنرمند معتمد و هنر معتمد ۳۶۵

پادی از بزرگان ادبیات و شعر ایرانی در غربت ۳۶۶

می‌پرسی از من اهل کجایم؟ ۳۶۷

از کتابفروشی‌های تهران تا کتابفروشی‌های تورنتو ۳۶۸

۹۱

شهر تهران و مراکز کنترل خشم ۳۷۰

لغش زنان در انقلاب مشروطیت ۳۷۱

شعری از ادبیات دوره مشروطیت ۳۷۳

از کتابفروشی‌های تهران تا کتابفروشی‌های تورنتو ۳۷۳

۹۲

در جست‌وجوی زمان از دست رفته ۳۷۵

در روزگار قحطی تبسم و عشق ۳۷۶

از کتابفروشی‌های تهران تا کتابفروشی‌های تورنتو ۳۷۷

.....	۱۵۸
عبید زاکانی و روزگار او.....	۷۷۲
عبید زاکانی و مشکل قرض.....	۷۷۴
اخبار کتاب و تازه‌های نشر.....	۷۷۵
.....	۱۵۹
جورج لوکاج، فیلسوف مارکسیست.....	۷۷۷
جرج لوکاج و کتاب «تاریخ و آگاهی طبقاتی».....	۷۸۰
اخبار کتاب و تازه‌های نشر.....	۷۸۰
.....	۱۶۰
حافظ ناشنیده پند.....	۷۸۲
آیا فال گرفتن با دیوان حافظ درست است؟.....	۷۸۵
اخبار کتاب و تازه‌های نشر.....	۷۸۶
.....	۱۶۱
دکتر محمد مصدق، سیاستمدار استعمارستیز.....	۷۸۷
سلام بر پیر بزرگ احمدآباد.....	۷۹۰
اخبار کتاب و تازه‌های نشر.....	۷۹۰
.....	۱۶۲
از فرا رسیدن بهار و نوروز چه چیزهایی می‌آموزیم؟.....	۷۹۲
نوروز در تورنتو.....	۷۹۴
اخبار کتاب و تازه‌های نشر.....	۷۹۵
.....	۱۶۳
از دفتر خاطرات کودک درون.....	۷۹۷
وحشت سرا، شعری از ادیب برومند.....	۷۹۹
اخبار کتاب و تازه‌های نشر.....	۸۰۰
.....	۱۶۴
با حکیم نظامی گنجوی در بهار دل‌انگیز تورنتو.....	۸۰۲

عشق و بهار، شعری از نظامی.....	۸۰۵
اخبار کتاب و تازه‌های نشر.....	۸۰۵
.....	۱۶۵
نقد و بررسی کتاب: «دیوان حافظ به سعی سایه» (۱).....	۸۰۷
غزلی منسوب به حافظ.....	۸۱۰
اخبار کتاب و تازه‌های نشر.....	۸۱۱
.....	۱۶۶
نقد و بررسی کتاب: «دیوان حافظ به سعی سایه» (۲).....	۸۱۲
غزلی از حافظ که به احتمال زیاد سروده اوست.....	۸۱۴
اخبار کتاب و تازه‌های نشر.....	۸۱۵
.....	۱۶۷
نقد و بررسی کتاب: «دیوان حافظ به سعی سایه» (۳).....	۸۱۷

اگر خر نبودی پیش بیطار نرفتی

مردکی را چشم درد خاست. پیش بیطار رفت که دوا کن. بیطار از آن چه در چشم چهارپا می کرد در دیده او کشید و کور شد و حکمیت به داور بردند. گفت: برو ترا هیچ لاوران نیست که اگر این خر نبودی پیش بیطار نرفتی!

ندهد هوشمند روشن رای به فرومایه کارهای خطیر
بوریا باف اگر چه بافنده است نبرندش به کارگاه حریر

«گلستان سعدی»

بگو مرغ را به پای من چهار من حساب کند

گویند: شغالی مرغی را از خانه پیرزنی دزدید. پیرزن در عقب او نفرین کنان فریاد می کرد: ای وای مرغ دومنی مرا شغال برد! شغال از این مبالغه سخت در غضب شد و روی را برگردانید و از غایت تعجب و غضب به پیرزن دشنام داد. در این میان روباهی به نزد شغال رسید و گفت: چرا اینقدر برافروخته ای؟ گفت: بین این پیرزن چقدر دروغگو و ای انصاف است، مرغی را که یک چارک هم نمی شود دو من می خواند. گفت: بده ببینم چقدر سنگین است. وقتی که گرفت رو به گریز نهاد و گفت: به پیرزن بگو: مرغ را به پای من چهار من حساب کند.

«یادداشت های محمد قزوینی»

یک نفر از کوچه ما عشق را دزدیده است

یک نفر از کوچه ما عشق را دزدیده است
این خبر در کوچه‌های شهر ما پیچیده است
عاشقی می‌گفت روزی روزگاران قدیم
عشق را از غنچه‌های کوچه‌باغی چیده است
دوره‌گردی در خیابان‌ها محبت می‌فروخت
گوئیا او هم بساط خویش را برچیده است
عشق‌بازی در خیابان مطلقاً ممنوع شد
عابری این تابلو را دور میدان دیده است
یک چراغ قرمز از دیروز قرمز مانده است
چشمکش را هیزچشمی خیره‌سر دزدیده است
می‌روم از شهر این دل سنگ‌های کوردد
یک نفر بر ریش ما دل‌ریش‌ها خندیده است

«سیدعباس سجادی»

چه حاصل مهربانی خواب دیدن

چه حاصل مهربانی خواب دیدن
به رویا صورت مهتاب دیدن
برای زندگی نقشه کشیدن
تمام نقشه‌ها بر آب دیدن

«فریاد»

هنردرمانی شاباجی خانم رسانه‌ای

(نقد یک مصاحبه تلویزیونی در تورنتو)

خدا را صد هزار مرتبه شکر که نمرديم و يك شمه از هنردرمانی را که توسط یک شاباجی خانم رسانه‌ای، به منظور کمک به هنر خنده‌درمانی برای مصیبت‌های بی‌پایان در غربت و حیرانی پخش می‌شد با همین دو تا چشم‌های خودمان دیدیم و گرنه اگر کسی آن را تعریف می‌کرد می‌گفتیم از روی نادانی یا بخل و حسادت پنهانی، این سخن را می‌گوید تا ما را به دیگران که همواره خوش‌باور و مثبت‌نگر هستیم، بدبین و بداندیش کند. این هنرمند پرمقدار، این مؤنث پر نقش و نگار، این ستاره پر ادا، این پری پیکر فرخ‌لقا، رو به هنرمندی پیش پا کرد و با خنده‌های آنچنانی که گاهی افتد و دانی گفت:

— تو چقدر خوبی عزیزم، چه جور شد که این‌گونه خنده به لب‌ها می‌آوری؟
آن جوانک جویای نام و آن هنرمند دلقک‌مرام، خندید به ریش ما تمام و جواب داد با این‌گونه کلام:
— من هنرمندیم را با کلاه‌برداری شروع کردم، از توی مدرسه، سرِ درس هندسه دزدیدم کلاه یکی از بچه‌ها را که بود عین آقا خرسه.
— خوب عزیزم، چه کسی مشوقت بود که به عالم هنر آمدی؟ (هه، هه، هه)
— مامی جانم، که می‌گفت: من تو رو بانمک زاییدم. یعنی موقعی که من به دنیا آمدم، یک عالمه آب‌نمک همراه بود.

— عزیزم چه جوری این همه هنر را فی‌البداهه در روی سن از خودت بروز می‌دی.
(هه، هه، هه)

— خودمم نمی‌دونم باجی جان، من وقتی یک میکروفن می‌بینم که کمی هم بلند و باید به اندازه خودم کوتاهش کنم، از خود بی‌خود می‌شم. ولی مَرَبی ذهنی و غیابی من، همون رقاصه مَرده ایرانی قد کوتوله‌ست. با دیدن او استعدادهايم شکوفا شد.
— آیا خانواده‌ات هم نقشی در کارهایت داشتند؟

— نه، جون شما نه، جون خودم. مامی خیلی از کارهای من ناراحت. ولی همین مامی من یک آتش‌پاره‌ست، وقتی با ددی‌ام تنها می‌شن برای او رقص عربی می‌کنه. من بچه که بودم قایم می‌شدم و یواشکی آنها را تماشا می‌کردم. نطفه‌های اولیه هنر را همین مامی جان، در من به وجود آورد.

مصاحبه که به اینجا رسید، هنرمند بلند شد و یک شال به دور کمرش بست و شروع کرد به تقلید رقص عربی مامانش و خانم باجی رسانه‌ای هم از خنده روده‌بر شد و پایش خورد به میکروفن و دوربین. کارگردان هم برنامه را قطع کرد و ما را سوت و کور باقی گذاشت.

هفته بعد از دوستی شنیدم که هنردوستان عزیز و گرامی حدود یک هزار نفر برای دیدن برنامه‌های این فرزانه هنر کم‌دی به دیدارش رفته بودند. سایه هنردوستان مستدام و روزگار این هنرپروران به کام و نصیب آدمیانی همچو من هم خفقان.